

خلیج فارس راه اصلی تجارت دریایی بین تمدن سند و بین‌النهرین در

هزاره سوم پ.م.^۱

مهدی مرتضوی^۲

ترجمه و توضیحات: حیدر امیری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰ / ۰۱ / ۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰ / ۰۱ / ۲۵

چکیده

در طی چند دهه گذشته چشم‌اندازهای روشنی از ارتباط بین تمدن هند و بین‌النهرین به‌دست آمده است (Kohl, 1977: 111-127; Lamberg-Karlovsky, 1977: 33-34; Tosi, 1983: 57-78; Piperno, 1983: 319-325; Pracchia; Tosi and Vidale, 1985: 207-248; Chakrabarti, 1990; During Caspers, 1994: 83-106; Jansen, 2002: 105-129; Possehl, 2002: 325-342). باستان‌شناسی، تعدادی از مسیرهای تجاری، از جمله راه‌های دریایی و خشکی را نشان می‌دهد که تمدن هند را به منطقه بین‌النهرین^۴ از طریق ایران، به‌ویژه خلیج فارس^۵ و جنوب شرقی ایران مرتبط می‌کرد. اگرچه

^۱ این مقاله ترجمه‌ی

"The Persian Gulf: The Main Maritime Trade Corridor between the Indus Valley and Mesopotamia during the Third Millennium BC"

است که در کنگره بین‌المللی سیراف (۲۳ تا ۲۵ آبان ماه ۱۳۸۴) ارائه شده و در کتاب «مجموعه مقالات کنگره بین-المللی سیراف» در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است.

^۲ دانشجویار گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۳ استادیار مدعو گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی پردیس علامه طباطبایی دانشگاه فرهنگیان، بوشهر، ایران.

ایمیل: H.Amiri@cfu.ac.ir

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی (Creative Commons Attribution) CCA نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را بازرگاری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۴ - بین‌النهرین یا میان‌رودان که واژه یونانی آن مزوپوتامیا است به سرزمین میان دو رود دجله (نام باستانی آن ایدیکلات به معنی رود تند و تیز است) و فرات (نام باستانی آن، اوروتویا است و به معنی رود مس است) و نیز سرزمین‌هایی که بین این دو سیراب می‌شدند را در بر می‌گرفت. اگرچه ظاهراً بین‌النهرین به منطقه‌ای بین دو رود دجله و فرات اطلاق می‌شد ولی مفهوم واقعی آن، قلمرو و سرزمین‌های هستند که حول و حوش این دو رود به ترقی و شکوفایی دست یافته‌اند (سرزمین‌های پست غرب فلات ایران) و از لحاظ فرهنگی دارای درهم آمیختگی اساسی بودند. در نگاه کلی این ناحیه شامل تمدن‌های اکد در قسمت‌های مرکزی و شمالی و سومر در قسمت جنوبی می‌شود. در سمت شرق دجله و در قسمت شمالی آن یعنی رودخانه‌های دیاله و زاب علیا و سفلی، تمدن آشور و در قسمت جنوب

مسیرهای زمینی مهم‌ترین شبکه ارتباطی در نیمه اول هزاره سوم پیش از میلاد بود (Tosi, 1983:57). اما به‌نظر می‌رسد که در نیمه‌ی دوم هزاره سوم پ.م مسیرهای تجارت دریایی جایگزین مسیرهای زمینی شد و این جایگزینی باعث پیوند تمدن هند با جوامع مرتبط با خلیج فارس شد (Jansen, 2002:121-122). این مقاله دو هدف را دنبال می‌کند: اول، اهمیت خلیج فارس به‌عنوان یک راه اصلی برای تجارت در مسافت زیاد بین شرق و غرب را ارزیابی می‌کند. دوم، عملکرد احتمالی لیان^۶ (بوشهر) به‌عنوان بندر واسطه‌ای در کرانه‌های خلیج فارس را نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: خلیج فارس، تجارت دریایی، بین‌النهرین، دره سند.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

مرتضوی، مهدی (۱۴۰۰). «خلیج فارس راه اصلی تجارت دریایی بین تمدن سند و بین‌النهرین در هزاره سوم پ.م». ترجمه حیدر امیری، پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۴، صص ۳۶-۱۵.



آن یعنی رودخانه‌های کرخه و کارون تمدن عیلام قرار داشت. در قسمت غرب رود فرات نیز از شمال تا جنوب، تمدن بابل گسترش یافت (مالووان، ۱۳۷۲: ۲۰؛ رید، ۱۳۹۲: ۱۶)

5. Persian Gulf

^۶. لیان Liyan بندری عیلامی در ۱۲ کیلومتری جنوب شهر بوشهر و نزدیک محله ریشهر واقع شده است. شهر لیان به معنای شهر آفتاب تابان یا فروغ و روشنایی است و اهمیت آن حفاظت دریایی مرزهای جنوبی و قرار گرفتن بر سر راه شوش پایتخت عیلام به موهنجودارو و پل ارتباطی تجاری میان تمدن عیلام و تمدن‌های بین‌النهرین با نواحی اقیانوس هند و جنوب شرق آسیا بوده است. هم‌چنین این شهر دارای موقعیت مذهبی یعنی وجود معبد ایزد بانوی بزرگ لیان به نام «کی - ری - ری - شا» که به معنی الهه یا ایزدبانوی بزرگ است. باستان‌شناسی در این منطقه از سال ۱۲۹۳ هـ.ق/۱۸۷۶ م. توسط آندریاس آلمانی آغاز و سپس توسط موریس پزار فرانسوی در سال ۱۳۳۱ هـ.ق/۱۹۱۳ م. ادامه یافت (یا حسین، ۱۳۹۱: ۴۸-۲۸).

۱. مقدمه

تجارت به مفهوم وسیع آن به مدیریت انتقال دو طرفه مواد، اشیاء یا کالاها توسط بنگاه تجاری یا فرد از یک مکان به مکان دیگر شناخته شود (Lamberg-Karlovsky, 1972: 222). این‌گونه استدلال می‌شود که این نوع تقاضای اقتصادی برای کالا (تجارت وسیع)، رشد و توسعه‌ی نظام اقتصادی را نشان می‌دهد (Tosi & Wardak, 1972: 9). افزایش تقاضا برای کالاها نه تنها تخصصی شدن کار را ایجاد می‌کند، بلکه باعث توسعه تجارت بین‌المللی می‌شود (Tosi, 1974: 60)، هم‌چنین موجبات انتقال جنبه‌های ویژه و اجتماعی تمدنی می‌شود (Ericson and Earle, 1982: 2).

ویر گوردن چایلد^۷ باستان‌شناس استرالیایی ده معیار اساسی برای هر جامعه شهری را ذکر کرده و یکی از معیارهای او، تجارت خارجی منظم با مناطق دور دست است (Childe, 1951: 15).^۸

بنابراین ممکن است که مطرح شود که پیچیدگی و حیاتی بودن ساختار اجتماعی اولیه، این فعالیت مهم را تحت تأثیر قرار دهد و این ساختار اجتماعی اولیه بتواند با کنترل متمرکز بر سیستم‌های تولید صنایع دستی توسعه یابند (Tosi, 1984).

^۷ ویر گوردن چایلد Vere Gordon Child (۱۴ آوریل ۱۹۸۲ - ۱۹ اکتبر ۱۹۵۷) انسان‌شناس و باستان‌شناس استرالیایی که بزرگ‌ترین ویژگی‌اش چیره‌دستی در نویسندگی بود. نوشته‌های او نه تنها باستان‌شناسان که بسیاری از دانشمندان رشته‌های گوناگون و حتی مردم عادی را به خود جلب می‌کرد. او باستان‌شناسی را به میان توده‌ها برد و بسیاری را به این علم علاقمند کرد. او در نظریه‌ی عوامل اقتصادی به مثابه علت دگرگونی اجتماعی تجدید نظر کرد و کوشید اصول مارکسیستی و تکامل فرهنگی را نیز مد نظر قرار دهد و آثار او به‌صورت شالوده‌ای برای تلاش در بازسازی زمینه‌های اجتماعی جوامع پیش از تاریخ درآمد. چایلد در اهمیت تکامل تکنولوژی می‌گوید: «تکامل تکنولوژی کلیدی است که فهم مراحل فرهنگی و اجتماعی انسان را بیش‌تر می‌کند. هم‌چنین هر مرحله تکامل و تحولات تکنولوژی به عنوان یک انقلاب فرهنگی و اجتماعی است» (مجیدزاده، ۱۳۶۸: ۵۶).

^۸ ده معیار اساسی جوامع شهری از نظر چایلد عبارت است از: ۱- سکونت‌گاه‌های ثابت با جمعیت متراکم ۲- تخصص و مشاغل غیر از کشاورزی (روحانیون، نویسندگان، دبیران و) ۳- مالیات‌گیری و انباشت ثروت توسط فرماندهان نظامی، روحانیون و مدیران شهری ۴- پیدایش دولت یا حکومت (طبقه حاکمه) ۵- ساخت بناهای عمومی و یادبودی (سیاسی: قصر و مذهبی: معابد و پرستش‌گاه‌ها) ۶- تکنیک‌ها و پیشرفت‌های نوشتاری (خط و مفهوم اعداد) ۷- پیشرفت علم نجوم و ریاضیات برای محاسبه زمان و طراحی معابد ۸- تجارت مایحتاج اساسی و تولیدات مازاد (تجارت اشیاء تجملی با مناطق دور دست) ۹- آثار هنری (نقاشی، مجسمه‌سازی و نمایشنامه‌نویسی) ۱۰- کاهش اهمیت نظام خویشاوندی: انتقال قدرت از خانواده به دولت و استقرار روابط سازمان یافته سیاسی و حکومتی به جای روابط قومی. برای اطلاع بیشتر از معیارهای ده گانه و مصادیق و نمونه‌های این پیشرفت‌ها در تمدن‌های اولیه در شرق جهان باستان (ر.ک چایلد، گوردون، ۱۳۵۷). انسان خود را می‌سازد، ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل آتانی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی).

ماهیت محصولات مورد نیاز کاملاً بستگی به نوع جامعه‌ای دارد که بازار نمایانگر آن است. طبقات ممتاز جامعه که مستقیماً تولید را در کنترل خود دارند مازاد محصول را به فروش می‌رسانند و در نتیجه به‌عنوان کنشگران اصلی در تجارت بین‌الملل حضور دارند (Tosi & Wardak, 1972:9).

۲. مسیرهای تجارت دریایی

معرفی جوامع شهری در تمدن دره سند^۹ و جنوب شرقی ایران شواهدی را نشان می‌دهد که در طول هزاره سوم پ.م، تجارت بین‌المللی در این تمدن‌ها وجود داشته است. مهم‌ترین کالاهایی که بین تمدن دره سند و بین‌النهرین معامله می‌شد، شامل: مُهر و موم، صدف، سنگ عقیق سرخ، سنگ صابونی^{۱۰}، سنگ لاجورد، سفال‌ها^{۱۱}، پیکرک‌ها، مجسمه‌های کوچک و تاس بود (Possehl, 2002b). این شواهد باستان‌شناسی نشان دهنده‌ی وجود تعدادی از مسیرهای تجاری؛ از جمله مسیرهای دریایی و خشکی که تمدن سند را از طریق مناطق کوهستانی به ویژه جنوب شرقی ایران و خلیج فارس به بین‌النهرین مرتبط می‌کند.

مسیرهای زمینی مهم‌ترین مسیر تجارت در نیمه اول هزاره سوم پ.م بود (Tosi, 1983: 57). مهم و لازم به ذکر است که تجارت دریایی در نیمه دوم هزاره سوم پ.م جایگزین تجارت زمینی شد و این جایگزینی موجب وابستگی و پیوند تمدن دره سند با جوامع مرتبط با خلیج فارس شد (Jansen, 2002: 121-122).

این تغییر از حوزه تجارت خشکی به تجارت دریایی با حضور جمعیتی از تمدن دره سند (هاراپا) در شورتگای^{۱۲} بدخشان در حدود ۲۵۰۰ پ.م ارتباط دارد. تجار هاراپایی، سنگ لاجورد را از

^۹ رودخانه سند یا ایندوس به معنی جویبار و رود است و از ارتفاعات تبت و هیمالیا در شمال هندوستان سرچشمه گرفته و در جهت جنوب غربی وارد پاکستان و در کنار بندر کراچی به دریای مکران (عمان) می‌ریزد. موهنجودارو Mohenjo Daro و هاراپا Harappa دو شهر مهم تمدن سند هستند (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۵۵).

^{۱۰} سنگ صابونی از نوع سنگ استاتیت (خاکستری رنگ) که ویژگی‌های آن نرم، انعطاف‌ناپذیر و نیمه شفاف است. آثار و ظروف جیرفت همه از نوع سنگ صابونی هستند و دلیل آن وجود معادن آن در منطقه جیرفت بوده است. تمدن جیرفت در متون بین‌النهرینی به نام‌های آرت یا آراتا Aratta آمده است. نوع دیگر سنگ صابونی کلریت نام دارد که سبز رنگ است (مالوون، ۱۳۷۲: ۸).

^{۱۱} سفال کاربردی‌ترین ساخته بشر برای مطالعات باستان‌شناسی محسوب می‌شود چراکه اطلاعات بی‌شماری از آن می‌توان به دست آورد. تغییرات صورت گرفته در شکل آن‌ها تزئینات و روش‌های ساخت انواع سفالینه‌ها، مهم‌ترین دستمایه‌های باستان‌شناسی در تاریخ‌گذاری‌ها هستند. علاوه بر این سفال‌ها سیر تکامل اقتصادی، تجاری، فنی و قومی مردم را مشخص می‌سازد (رید، ۱۳۹۲: ۳۸).

^{۱۲} شورتگای Shortugai نام یک محوطه باستانی در ولایت بدخشان کشور افغانستان است. این سکونتگاه متعلق به تمدن دره سند است که در ۲۰۰۰ ق.م در کنار رود آمودریا و در نزدیک معادن لاجورد در شمال افغانستان شکل گرفته است. این محوطه باستانی اگرچه ۸۰۰ کیلومتری با تمدن سند فاصله دارد ولی نشان دهنده وجود یک

شورتگای و مسیر خشکی به دره سند حمل و سپس به وسیله کشتی و در مسیر دریایی آن را به شبه جزیره عربستان^{۱۳} و احتمالاً در پایان به مصر حمل می‌کردند (Jansen, 2002: 121).

این مسیرهای دریایی که در نیمه دوم هزاره سوم پ.م شرق و غرب را به هم متصل می‌کردند در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند و شواهد باستان‌شناسی مانند لنگرگاه‌ها و چاه‌هایی که در امتداد کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس یافت شده نشانه‌های این مسیر را تأیید می‌کند (During Caspers, 1971: 21).

استفاده از مسیرهای دریایی به وجود لنگرگاه‌های تجاری مناسب در امتداد خلیج فارس نیاز داشت (During Caspers, 1972: 170). براساس شواهد حاضر از تحقیقات باستان‌شناسی، کاسپرس^{۱۴} معتقد است که مهم‌ترین مسیر دریایی در امتداد کرانه‌های جنوبی خلیج فارس بوده است (During Caspers, 1971: 21). به نظر می‌رسد کرانه‌های شمالی خلیج فارس برای تجارت بین‌المللی قابل اعتمادتر بوده است و این قسمت از خلیج فارس به بین‌النهرین نیز نزدیک‌تر بود. بنابراین برای بررسی بیش‌تر مسیرهای تجاری دریایی کرانه‌های ایرانی خلیج فارس در طول هزاره چهارم و سوم پ.م به بررسی و کاوش‌های منظم‌تری نیاز است.

۳. مسیر اول تجارت دریایی

تجارت دریایی در امتداد کرانه مکران^{۱۵} موجب گسترش فرهنگ ام‌النار^{۱۶} در جنوب شرقی عربستان و دیلمون^{۱۷} شد (Jansen, 2002: 121). فرهنگ ام‌النار شامل فرهنگ دیلمون در

مستعمره سندی برای کشف منابع و معادن مورد نیاز سنگ لاجورد برای صدور به مراکز تمدن سندی است. دلیل اصلی وجود یک استقرارگاه سندی در این منطقه بسیار دور هر چه که بوده در هر حال موید دو نکته اصلی است یعنی گسترش و نفوذ تمدن سند و نیز عملیات تجاری که ظاهراً هدف اصلی سندیان بوده است (سید سجادی، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

^{۱۳} منظور از شبه جزیره عربستان در این جا، مناطق باستانی احساء و قطیف امروزی در کرانه‌های شرقی عربستان سعودی، عمان (مگن)، بحرین (دیلمون) است.

^{۱۴} کاسپرس Caspers

^{۱۵} بلوچستان جنوبی با نام باستانی مکران، از لحاظ محیط طبیعی و جغرافیایی سرزمین بسیار متنوعی است. موقعیت ویژه جغرافیایی آن به‌عنوان دروازه و گذرگاه طبیعی شبه قاره هند از دیرباز نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرده بود. این ناحیه در کتیبه‌های میخی داریوش هخامنشی (بیستون) به‌صورت مکا و بعد از آن به‌صورت مکران آمده است. منطقه مکران به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. دو شهرستان نیک‌شهر و چابهار در بخش جنوبی این سرزمین قرار دارند. نیک‌شهر در قسمت شمالی و چابهار در جنوبی‌ترین بخش استان به صورت نواری در ساحل دریای عمان از مهم‌ترین شهرهای تجاری ایالت مکران، از گذشته‌های دور در منطقه مورد توجه بوده است. استقرارهای دوران تاریخی منطقه نشانگر شکوه و رونق مکران و حضور پر رنگ ایرانیان از دوران اشکانی در سواحل دریای مکران می‌باشد (مهرآفرین، علیزاده و روح الله شیرازی، ۱۳۹۱: ۷).

بحرین^{۱۸}، جزیره فیلکه^{۱۹} و سایر کرانه‌های همجوار بود. مجموعه فرهنگی ام‌النار و هیلی^{۲۰} در واحه بُریمی^{۲۱} (هر دو متعلق به شیخ‌نشین ابوظبی)^{۲۲} و گورستان‌های دوره جمده‌النصر^{۲۳} از جمله مناطقی است که آشکارا نشان دهنده‌ی تجارت با بین‌النهرین و تمدن سند بوده است (During Caspers, 1971: 21; During Caspers, 1972: 170).

با وجود گستردگی کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر سوخته سیستان^{۲۴}، و وجود صدف‌های دریایی در آنجا؛ سیستان هیچ‌گونه یا حداقل تأثیر را بر روی ام‌النار داشته است ولی ارتباط بین بمپور^{۲۵}، میناب^{۲۶}، تپه یحیی^{۲۷} و عمان (ام‌النار) در پایان هزاره سوم پ.م بیشتر بوده

^{۱۶} ام‌النار Uman - Nar یکی از دو منطقه و مرکز تولید فلزات در عمان قدیم به همراه عبری Abri بوده است. این دو ناحیه امروز جز کشور امارات متحده عربی هستند (وثوقی، ۱۳۸۴: ۲۵). محوطه باستانی ام‌النار نخستین بار توسط هیات باستان‌شناسان دانمارکی مورد کاوش قرار گرفت و گزارشی از آن تهیه شد و سپس اشخاص دیگری چون کلوزیو و توزی با بررسی‌های دقیق خود آثار ارزشمندی که حاکی از نحوه‌ی معیشت و زندگی روزمره مردمان دوران پیش از تاریخ عمان را بدست آوردند. قدمت این محوطه را ۲۷۰۰ پ.م تخمین زده‌اند (هاشمی زرج آباد، شیرازی، فرزین و ظهوریان، ۱۳۹۳: ۱۰۵ و ۱۰۶).

^{۱۷} دیلمون Dilmun که در برخی منابع تیلمون هم گفته می‌شود.

^{۱۸} جزیره بحرین که از نظر تاریخی نواحی ساحلی شبه جزیره عربستان نیز تحت عنوان بحرین ساحلی شامل آن بوده است.

^{۱۹} جزیره فیلکه Failaka از جزایر مهم کشور کویت و در ۲۰ کیلومتری شهر کویت است.

^{۲۰} هیلی Hili محوطه باستانی از عصر مفرغ در شهر العین در شیخ‌نشین ابوظبی کشور امارات متحده عربی است. هیلی بزرگ‌ترین محوطه عصر مفرغ در ابوظبی است و قدمت آن به هزاره سوم پ.م می‌رسد. این محوطه باستانی جز فرهنگ ام‌النار می‌باشد و شامل قبور و کاریز است.

^{۲۱} بُریمی Buraimi در امارات متحده عربی

^{۲۲} ابوظبی پایتخت امارات متحده عربی

^{۲۳} جمده‌النصر Jamdat Nasr در ۱۰۰ کیلومتری جنوب بغداد واقع شده است و طی دو فصل در سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۸ م. حفاری شده است و نام یکی از دوره‌های فرهنگی بین‌النهرین را در بین سال‌های ۳۱۰۰-۲۹۰۰ ق.م به خود اختصاص داده است (بهمنش، ۱۳۷۴: ۲۷).

^{۲۴} شهر سوخته در ۲ کیلومتری جاده زاهدان به زابل بین آبادی تاسوکی و دو راهی زاهدان به مشهد که متعلق به ۵۰۰۰ سال قبل که در حفاریات باستان‌شناسی آن حصیر، شیشه، سفال بدست آمده است. این شهر در فاصله ۱۹۰۰ تا ۲۹۰۰ ق.م محل سکونت بوده و مردم این ناحیه به صنعت کوزه‌گری، حصیر بافی، سنگ تراشی، و تهیه زینت آلات از سنگ لاجورد و فیروزه آشنا بودند (قدیانی، ۱۳۸۱: ۲/۵۲۵) این شهر اولین و بزرگ‌ترین استقرار شهرنشینی در شرق فلات ایران است. این شهر دارای سه بخش مجزا شامل، منطقه مسکونی، منطقه صنعتی و گورستان بزرگ شهر است. در این شهر آثاری از چشم مصنوعی، مجسمه جراحی شده، سوزن، پارچه، نقاشی انیمیشن (متحرک) روی سفال و صفحه‌ای شبیه بازی شطرنج بدست آمده است که در نوع خود بی‌نظیر و جز نخستین‌ها است (سید سجادی، ۱۳۹۰: ۴۰-۶۰).

^{۲۵} بمپور نام شهر و شهرستانی در استان سیستان بلوچستان است که سابقه‌ی تاریخی آن به نیمه دوم هزاره چهارم و هزاره سوم پ.م باز می‌گردد. سابقه‌ی باستان‌شناسی در بمپور به حدود هشتاد سال قبل و حضور اورل اشتاین باز می‌گردد. اهمیت تپه‌های تاریخی بمپور که تا به امروز مهم‌ترین تپه پیش از تاریخ بلوچستان ایران شناخته می‌شود در آن

است (Tosi, 1974b: 164). همچنین شباهت بین سفال‌های ام‌النار و مناطق جنوب شرقی ایران از جمله لایه استقراری «IV b» تپه یحیی، لایه استقراری ۶ تا ۳ بمپور، وجود شبکه منظم تجارت دریایی را تایید می‌کند (Tosi, 1974: 187).

علاوه بر این وجود مهرهای استوانه‌ای در لایه استقراری «IV b» تپه یحیی، که با مهرهای سومری^{۲۸} قابل مقایسه هستند، تایید کننده ارتباطات فوق است. بخصوص که فاصله تپه یحیی تا رودخانه میناب در نزدیکی تنگه هرمز در کرانه دریا پنج تا شش روز پیاده روی است (During Caspers, 1972: 169-172). همچنین قابل توجه است تبر خوراب^{۲۹} (قبر E) که با سفال‌های بمپور دوره «IV» مرتبط است، شباهت بسیار نزدیک به سفال نوع ام‌النار دارد (Tosi, 1974b: 163).

۴. دومین مسیر تجارت دریایی

یکی دیگر از مسیرهای دریایی را می‌توان در امتداد کرانه خلیج فارس در منطقه بلوچستان^{۳۰} دنبال کرد، جایی که به یک انشعاب جنوبی در مسیر زمینی از طریق حوزه‌ی بمپور متصل می‌شود. این مسیر نشان می‌دهد که لایه استقراری دوره‌ی «IV, V» بمپور هنوز در تجارت بین‌المللی در

است که این منطقه در سر راه تپه یحیی و بین‌النهرین با محوطه‌های دره سند واقع شده بود (مرادی، سرحدی دادیان و سلطانی، ۱۳۹۴: ۹۶-۹۵).

^{۲۶} میناب نام شهر و شهرستانی در استان هرمزگان که به‌عنوان دومین شهر بزرگ استان هرمزگان در ۱۰۰ کیلومتری بندرعباس می‌باشد.

^{۲۷} تپه یحیی در ۳۰ کیلومتری شمال روستای دولت آباد و ۲۵۰ کیلومتری جنوب شهر کرمان در دره سوغان است. تپه یحیی مربوط به اواسط هزاره پنجم تا سوم پیش از میلاد برای نخستین بار توسط اشتاین شناسایی شد. این محوطه از سال ۱۳۴۷ خورشیدی به مدت چند فصل توسط کارلوفسکی مورد کاوش قرار گرفت (ملک شهمیرزادی، ۱۳۸۲: ۴۱۸). در تپه یحیی یک ساختمان دولتی که پنج در بزرگ داشت و هم‌چنین الواحی که دارای خط تصویری و نیمه تصویری است کشف شده که نشان می‌دهد مردم این منطقه دارای تمدن پیشرفته بوده و به خط آشنایی داشته‌اند. هم‌چنین ساکنین تپه یحیی به فن ذوب فلزات آشنایی داشتند (واندنیبرگ، ۱۳۴۸: ۳۵۶).

^{۲۸} سومر نام سرزمین و قومی است در جنوب بین‌النهرین بین سال‌های ۵۵۰۰ تا ۱۹۴۰ پ.م که به‌عنوان اولین خاستگاه و جایگاه تمدن در جهان توسط باستان‌شناسان و تاریخ‌نویسان شناخته شده است. (سویشر، ۱۳۸۳: ۴۵-۴۰).

^{۲۹} منطقه باستانی خوراب Khurab در کناره جنوبی رود بمپور و در روستای خوراب در دهستان بمپور شرقی در شهرستان یمپور استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. این محوطه باستانی در ۵۰۰ متری شمال شرقی روستای خوراب توسط اولر اشتاین کاوش و هفت قبر پیدا شده که در آن‌ها اشیای سفالی و فلزی، ظروف کامل مرمری و ظروف سنگی خاکستری نیز بدست آمده است. یکی از آثار کشف شده در منطقه خوراب تبری مفرغی با تزئین شتر است که با مجموعه فرهنگی بلخ و مرو قابل مقایسه است (محمدی‌سفیدخانی، ۱۳۹۳: ۳۵؛ شیرازی و دهمرده‌پهلوان، مهدی، ۱۳۹۳: ۵۰-۴۹).

^{۳۰} بلوچستان منطقه‌ی وسیع در شرق ایران که امروزه بین ایران و پاکستان تقسیم شده و جز استان سیستان و بلوچستان است.

پایان هزاره‌ی سوم پ.م فعال بوده، که با شواهدی از وجود صدف‌های دریایی در کرانه‌های مکران تأیید می‌شود (During Caspers, 1970: 320; Biggs, 1970: 333; De Cardi, 1968: 135). تپه یحیی هم‌چنین از طریق یک مسیر زمینی به سمت جنوب و به خلیج فارس برای حمل و نقل متصل می‌شد (Burney, 1975: 193).

۵. سومین مسیر تجارت دریایی

سومین مسیر دریایی را می‌توان در امتداد کرانه‌های پاکستان در مکران دنبال کرد، جایی که دو بندر کشتیرانی تمدن هاراپیان^{۳۱}، از جمله سوتکاگن دور^{۳۲} و سوتکا کوه^{۳۳} در قسمت غربی رودخانه سند تشکیل شده است (During Caspers, 1971: 22).

بسیاری از مواد فرهنگی مانند مهرها و سفال‌ها که نشان‌دهنده پیوند بین تمدن بین‌النهرین و تمدن دره سند است در منطقه بین‌النهرین کشف شده است (Possehl, 2002c: 37). هم‌چنین جوامع هاراپن^{۳۴} این کالاها را از طریق خلیج فارس به سواحل شرقی عربستان سعودی و دهانه‌ی دریای سرخ حمل می‌کردند و به همین ترتیب مواد غذایی از آفریقا به هند می‌آوردند (Possehl, 2002c: 37).

بسیاری از اشیاء (مواد فرهنگی) ارتباط بین تمدن بزرگ دره سند با تمدن بین‌النهرین را تأیید می‌کند. از جمله: وجود سفال‌های رنگی کالی‌بانگان^{۳۵}، دوره استقرار «IV» موندیگاک^{۳۶}، کولی^{۳۷}؛

^{۳۱} تمدن هاراپیان در حوزه‌ی تمدن دره سند؛

^{۳۲} سوتکاگن دور Sutkagen – Dor از بنادر تمدن هاراپیان حوزه‌ی تمدن رود سند در جنوب بلوچستان پاکستان کنار اقیانوس هند؛

^{۳۳} سوتکا کوه Sotka – koh از بنادر تمدن هاراپیان حوزه‌ی تمدن رود سند در جنوب بلوچستان پاکستان کنار اقیانوس هند؛

^{۳۴} هاراپن Harappan از تمدن‌های حوزه‌ی تمدن رود سند؛

^{۳۵} کالی بانگان Kalibangan در شمال راجستان هند متعلق به حوزه فرهنگی تمدن سند؛

^{۳۶} تپه باستانی موندیگاک Mundigak در ۵۰ کیلومتری شهر قندهار در کشور افغانستان که قدمتی بین ۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰ پ.م دارد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴/۸/۱۶). موندیگاک جزء حوزه فرهنگی سیستان است که این حوزه فرهنگی شامل جنوب شرق سیستان و حوزه‌ی رودخانه هیرمند است که تا کوهپایه‌های جنوب غربی هندوکش ادامه داشته است. مراکز اصلی این منطقه شهر سوخته در سیستان و موندیگاک در کنار رودخانه ارغنداب، چند کیلومتر دورتر از محل تلاقی این رودخانه با هیرمند بوده‌اند. شباهت زیادی که در فرهنگ مادی این سرزمین‌ها در هزاره سوم پ. م. وجود داشته نشان دهنده‌ی وجود یک پدیده واحد در رشد اجتماعی – اقتصادی آن جا بوده و به همین خاطر با نام تمدن هیرمند شناخته شده است (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۶۸).

^{۳۷} کولی Kulli از تمدن‌های حوزه فرهنگی تمدن رود سند در جنوب بلوچستان پاکستان.

مهره‌های موهنجودارو^{۳۸} (Possehl, 2002a: 336) و هم‌چنین تجارت مواد خام اولیه با سومر (During Caspers, 1972: 173)، مهره‌های سند (هندی) از شوش^{۳۹}، اور^{۴۰} و سایت‌های دیگر در بین‌النهرین (Possehl, 2002a: 325)، الگوها، مدل‌ها و نقاشی‌ها از محصولات دریایی ساخته شده هندی که توسط مردمان دره سند استفاده می‌شد (During Caspers, 1972: 173).

۶. مسیر تجارت زمینی و نقش لیان

مسیر تجارت زمینی از طریق جنوب ایران (فارس) کشف شده است که بندر عباس^{۴۱} را در ورودی خلیج فارس با مادوان^{۴۲}، فسا^{۴۳}، سروستان^{۴۴}، شیراز^{۴۵}، بهبهان^{۴۶} و اهواز^{۴۷} و در نهایت به بین-

^{۳۸}. موهنجودارو Mohenjo-Daro و هاراپا Harappa دو شهر مهم تمدن سند هستند. این دو شهر در جریان طبیعی پیدایش شهرهای قدیمی یعنی از تبدیل شهر به روستا به وجود نیامده‌اند. این دو شهر دارای خیابان‌های پهن، سیستم آبرسانی و حمام بوده‌اند. این دو شهر در حدود ۱۵۰۰ ق.م. از میان رفتند (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۵۶-۵۵). موهنجودارو به معنای تپه مردگان در ۱۲ کیلومتری شهر دوکری Dokri و ۴۰ کیلومتری شهر لارکانا Larkana در کشور پاکستان وسیع‌ترین محوطه عصر مفرغ در دره سند و مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد است. امروزه هاراپا روستایی در شرق کشور پاکستان و در حاشیه رودخانه راوی در منطقه موننگومری در ناحیه پنجاب که کاوش‌های باستان‌شناسی در تپه‌های مجاور آن آثار تاریخی مهمی از تمدن سند مربوط به هزاره سوم و دوم پیش از میلاد را آشکار ساخته است (مرتضوی، ۱۳۸۹: ۱۲۶-۱۲۴).

^{۳۹}. شوش Susa پایتخت تمدن عیلام.
^{۴۰}. اور Ur شهری در جنوب بین‌النهرین در کشور عراق کنونی جایی در نزدیک دهانه دو رود دجله و فرات که به خلیج فارس می‌ریزند. شهر اور از شهرهای تمدن‌های سومر و اکد بود (بهمنش، ۱۳۷۴: ۳).

^{۴۱}. بندرعباس مرکز استان هرمزگان.
^{۴۲}. مادوان Madavan نام روستایی از توابع دهستان فسارود بخش مرکزی شهرستان داراب در استان فارس است. در نزدیکی این روستا تپه‌های باستانی قرار دارند که از قدیمی‌ترین مناطق باستانی فارس محسوب می‌شود. معروف‌ترین این تپه‌های باستانی می‌توان به «تل اسکو یا تل اسکان»، «تل سیاه» اشاره کرد (یوسف جمالی و سلیمی، ۱۳۸۶: ۱۵۵ و ۱۵۶).

^{۴۳}. فسا Fasa نام شهر و شهرستانی در استان فارس که دارای تپه‌های باستانی است که یکی از معروف‌ترین آن‌ها «تل سیاه» یا «تپه وکیل آباد» است که مربوط به هزاره سوم و چهارم پ.م. است. این تپه در فاصله چهار کیلومتری شمال غربی زاهد شهر و سه کیلومتری روستای یاسریه (خرنجان) قرار دارد و در سال ۱۳۷۹ به شماره ۳۲۸۲ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. تپه‌های این شهرستان ابتدا توسط اشتاین در سال ۱۹۳۴ م. و سپس توسط دومیروشیچی در سال ۱۹۷۲-۱۹۷۱ م. شناسایی و حفاری شد (منصوری، اسدی، ۱۳۹۲: ۴-۱) تپه تل‌سیاه در سال ۱۳۱۳ توسط سر اورل اشتاین کشف شد و سپس فریدون توللی در سال ۱۳۳۷ بر روی آن حفاری و گمانه زنی را انجام داد (خبرگزاری ایسنا، ۷ بهمن ۱۳۹۵).

^{۴۴}. سروستان Sarvistan نام شهر و شهرستانی در استان فارس در ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی شیراز است. «تل سنگ سیاه» سروستان یکی از تپه‌های قدیمی این شهرستان و استان است که مربوط به دوره نوسنگی است (منصوری، ۱۳۹۵: ۴۱).

^{۴۵}. شیراز مرکز استان فارس

النهرین پیوند می‌داد. بر اساس شواهد باستان‌شناسی بدست آمده این مسیر تمدن عیلام^{۴۸} را به بمپور در هزاره سوم پ.م متصل و سپس به رود سند از طریق مکران^{۴۹} متصل می‌شد (During Caspers, 1971: 22).

ممکن است مسیر تجاری دیگری نیز در کرانه بندر بوشهر وجود داشته است. استدلال می‌شود که از پایان هزاره سوم پ.م، شوش بر سرزمین‌های شرقی خلیج فارس مانند لیان و دیلم^{۵۰} که جوامع فعال در تجارت‌های بین‌المللی بودند، کنترل خاص و ویژه داشتند (Sykes, 1915).^{۵۱}

چاپلید معتقد است که انگیزه‌های توسعه‌طلبانه تمدن عیلام به منظور کنترل مسیرهای تجاری که از فلات ایران عبور می‌کردند شناخته می‌شود. فرضیه اصلی چاپلید با کشف یک سکونتگاه با سفال‌های دوره پروتو عیلامی^{۵۲} و لوح‌های شوش از نوع «cb» در ابتدای دوره استقرار «IV» تمدن

^{۴۶}. بهبهان Behbahan نام شهر و شهرستانی در استان خوزستان است. در نزدیکی این شهر بقایای شهر ارجان یا ارگان وجود دارد که در کشفیات باستان‌شناسی در سال ۱۳۶۱ خورشیدی آثاری از هزاره دوم پیش از میلاد و هم-چنین گور «کیدین هوتران» فرزند پادشاه عیلامی که در هزاره دوم ق.م سلطنت می‌کرد به همراه جام ارجان یا حلقه قدرت و شوکت و عظمت ارجان کشف شد. این شهر دارای ۱۵۰ تپه باستانی است که تاکنون ۷۰ تپه به ثبت ملی رسیده است. بیشتر این تپه‌ها و محوطه‌های باستانی در منطقه منصور آباد است (آزادی، قزلباش و کوهی گیلوان، ۱۳۹۷: ۹۹-۱۰۰).

^{۴۷}. اهواز Ahwaz مرکز استان خوزستان.
^{۴۸}. تمدن عیلام که بین سال‌های ۲۷۰۰ تا ۶۴۵ پ.م دوام داشت، ابتدا در خوزستان و شوش امروزی پایه‌گذاری شد و سپس کل جنوب غربی ایران شامل استان‌های بوشهر، لرستان، فارس، کرمان، هرمزگان، ایلام، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد امروزی نیز به قلمرو آن افزوده شد. پایتخت این تمدن شهر شوش بود. این تمدن در سال ۶۳۹ پ.م. توسط آشوربانیپال پادشاه آشور سقوط کرد ولی دستاوردهای فرهنگی و تمدنی آن به هخامنشیان منتقل شد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۳۰-۱۰).

^{۴۹}. سرزمین مکران بخش جنوبی بلوچستان را در بر می‌گیرد که اکنون میان ایران و پاکستان تقسیم شده است.
^{۵۰}. بندر دیلم Dailam نام بندر و شهرستانی در استان بوشهر است. مورخان و باستان‌شناسان معتقدند که بندر دیلم فعلی بازمانده بندر قدیمی سی‌نیز یا شینیز است. آثار و خرابه‌های سی‌نیز در سواحل خلیج فارس در کنار روستای حصار از توابع بخش بندر امام حسن در شهرستان دیلم قرار دارد (درویشی، ۱۳۹۶: ۹۲). برخی از سفرنامه‌نویسان آن را از توابع ارجان و برخی مانند ابن خردادبه و بلاذری آن را از ولایت اردشیر خره می‌دانستند. این بندر تا قرن چهارم هجری پروتو عیلامی بوده است. در این شهر علاوه بر کشت کتان کارگاه‌های کتان بافی وجود داشت و پارچه‌های کتانی آن صادر می‌شد. از دیگر محصولات صادراتی آن روغن چراغ بود که در روستاهای سی‌نیز تولید می‌شد. این بندر دارای بازار تجاری و مسجد جامع باشکوهی بوده است. در سال ۳۲۱ ه.ق با حمله قرمطیان مردم شهر کشته و بندر ویران شد (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۶۸: ۳۹ و ۴۰).

^{۵۱}. یکی از ایالت‌های شرقی تمدن عیلام، ایالت شیریهوم به مرکزیت لیان بود که از حدود دیلم امروزی (شمالی‌ترین نقطه استان بوشهر) تا نواحی جنوبی استان بوشهر و شرق استان هرمزگان شامل آن می‌شد. این ایالت برای تمدن عیلام از جنبه‌های مختلف تجاری، نظامی و مذهبی دارای اهمیت بود.

^{۵۲}. خط پروتو عیلامی Proto - Elamite خط مورد استفاده ساکنین تمام فلات ایران در پنج هزار سال پیش و هم-چنین پیش از خط میخی سومری و خط میخی عیلامی مورد استفاده بوده است (گیرشمن، ۱۳۷۳: ۲۵۶).

سیلک^{۵۳} تأیید می‌شود (Childe, 1954: 65). در این سایت، شهر جدید بر روی سکونتگاه دوره «III» سیلک و لایه‌های «6-7» که به نظر می‌رسد ناپود شده است قرار گرفته است.

کشف کتیبه مربوط به دوره عیلام قدیم در لیان (بوشهر) فرضیه مطرح شده که در اواخر هزاره چهارم پ.م عیلام تا اندازه‌ی کنترل بخشی از تجارت بین‌النهرین را داشت، تأیید می‌کند (Tosi, 1974c: 15; Pezard, 2005). جالب است بدانید که این لوحه‌ها با لوحه‌های شوش خوزستان، سیلک کاشان و شهر سوخته سیستان قابل مقایسه است.

۷. نتیجه‌گیری

بر اساس فرضیه‌های بالا، لیان در کرانه شمالی خلیج فارس ممکن است به‌عنوان واسطه بین دره سند، جنوب شرقی فلات ایران با تمدن عیلام از طریق فارس و ملیان (تپه ملیان)^{۵۴} و بین‌النهرین بوده است.

پراکندگی و گسترش کتیبه‌های پروتو عیلامی نشان دهنده سابقه معاملات تجاری و اقتصادی (Lamberg-Karlovsky, 1971: 88) به‌عنوان تنها نشانه و علامت در سراسر فلات ایران است. بر اساس این کتیبه‌ها ارتباطات اداری بین مناطق مختلف این فلات (شوش در خوزستان، شهر سوخته در سیستان، تپه حصار در دامغان^{۵۵}، تپه یحیی در کرمان، تپه سیلک در کاشان و لیان در

^{۵۳}. تمدن سیلک Sialk در نزدیکی شهر کاشان قرار دارد. کاوش‌ها نشان می‌دهد که قدمت این تمدن در حدود ۴۵۰۰ پ.م. است. مهم‌ترین اکتشاف در این تپه پیدایش الواح عیلامی بود که به این ترتیب ۵۵۰۰ سال پیش بر اثر ارتباط این اقوام با تمدن شوش نگارش خط پروتو عیلامی را فرا گرفتند. اقوام تمدن سیلک در ۳۵۰۰ پ.م. مغلوب اقوام آریایی شدند (قدیانی، ۱۳۸۱: ۴۹۶/۲).

^{۵۴}. تپه ملیان Malyan با وسعت ۲۰۰ هکتار در روستای ملیان و در بخش بیضاء شهرستان سپیدان در ۴۶ کیلومتری شمال شیراز قرار دارد. ابن محوطه باستانی در بین سال‌های ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸م. زیر نظر ویلیام سامنر حفاری و کاوش شد و در آن تعدادی لوح‌های ایلامی مربوط به ۱۳۰۰ تا ۱۰۰۰ ق.م بدست آمد. تپه ملیان در ۲۴ اسفند ۱۳۵۳ با شماره ۱۰۴۶ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. باستان‌شناسان معتقدند این منطقه همان شهر انشان یا انزان در کتیبه‌های ایلامی و هخامنشی است. انشان یا انزان به همراه شوش دو شهر مهم در تمدن ایلام بوده است. این شهر نسبت به شوش وابستگی بیش‌تری به تمدن ایلام دارد؛ زیرا که شوش در دوره‌های متفاوت به دلیل سلطه اقوام بین‌النهرینی مانند اور یا اکد وابسته به ایلام است در حالی که انشان همیشه به همراه ایلام ذکر شده است. تا قبل از کشفیات سامنر؛ مورخان و باستان‌شناسان انشان را در کوه‌های بختیاری، مسحد سلیمان، ایذه و مالمیر می‌دانستند (ابراهیمی، ۱۳۸۵: ۹-۳).

^{۵۵}. تپه حصار در ۳ کیلومتری شهر دامغان که برای اولین بار در طی سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۰ توسط دکتر اشمیت مورد کاوش قرار گرفت، در این تپه آثاری با قدمت ۳۰۰۰ سال ق.م بدست آمده است (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۷۳: ۲/۵۶؛ واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۲۲۵).

بوشهر) و سایر جوامع در غرب فلات ایران نه به صورت نظامی بلکه به وسیله تجارت وجود داشته است (Tosi, 1974c: 14).

همان طور که در بالا گفته شد، بسیاری از تحقیقات و کاوش‌های باستان‌شناسی مربوط به هزاره سوم پ.م (دوره شهرنشینی) در کرانه‌های عربی (جنوبی) خلیج فارس توسط اروپاییان انجام شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که یک بررسی جدید و سیستماتیک در لیان برای بررسی فرضیه فوق انجام شود. شباهت‌های بین لوحه‌های کشف شده پروتو ایلامی کشف شده از سایت‌های فوق و گونه‌شناسی سفال‌ها و شواهدی از فعالیت‌های صنعتی مانند: سنگ لاجورد، سنگ عقیق سرخ و سنگ صابونی بر ارتباطات فرهنگی، اداری و اقتصادی بین سایت‌های باستان‌شناسی ایرانی و دره سند و بین‌النهرین در طول هزاره سوم و چهارم پ.م دلالت می‌کند.



منابع

- Biggs, H.E.j. 1970. Report on Mollusks Collected by Expedition to Bampur. In B.De Cardi (ed) Excavations at Bampur, a Third Millennium Settlement in Persian Baluchistan, 1966. Anthropological Papers of the American Museum of Natural History. LI 3: 333-334.
- Burney, C. 1975. Tepe Yahya: Its Implications for Near Eastern Archaeology. *Antiquity* XLIX: 191-196.
- Chakrabarti, D. K. 1990. The External Trade of the Indus Civilization. Delhi: Munshiram Manoharlal.
- Childe, V.G. 1951. Social Evolution. London: Watts.
- Childe, V. G. 1954. New Light on the Most Ancient East. London.
- De Cardi, B. 1968. Excavation at Bampur, S.E.Iran; A Brief Report. *Iran* VI: 135-155.
- During Caspers, E. C. L. 1970. A Note on the carved Ston Vases and Incised Grayware. In B. De Cardi (ed) Excavations at Bampur. A third Millennium B. C Settlement in Persian Baluchistan, 1966. Anthropological Papers of the American Museum of Natural History 51(3): 319-332.
- During Caspers, E. C. L. 1971. New Archaeological Evidence for Maritime Trade in the Persian Gulf During the Late Protoliterate Period East and West 21: 21-44.
- During Caspers, E. C. L. 1972. Harappan Trade in the Arabian Gulf in the third Millennium BC. *Mesopotamia* VII: 167-191.
- During Caspers, E. C. L. 1994 Non-Indus Glyptics in a Harappan context. *Iranica Antiqua* XXIX: 83-106.
- Ericson, J. E & T. K. Earle. 1982. Contexts for Prehistoric Exchange. London: Academic Press.
- Jansen, M. 2002. Settlement Networks of the Indus Civilization. In S. Settar and R. Korisettar(eds.) *Indian Archaeology in Retrospect II: Protohistory of the Harappan Civilization: 105-129*. Delhi: Indian Council of Historical Research.
- Kohl, A Note on Chlorite Artefacts from Shahr-i-Sokhta. *East and West* 27(1-4): 111-127. 1977 P.L.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1971. The Proto Elamite Settlement Tepe Yahya. *Iran* LX: 87-96.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1972. Trade Mechanisms in Indus-Mesopotamian Interrelations. *Journal of the American Oriental soc.* 92(2): 222-229.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1977. Foreign Relations in the Third Millennium at Tepe Yahya. In J. Deshayes(ed.) *Le Plateau Iranien el dAsie Centrale des Origines a la Conquete Islamique* 567: 33-43 Paris: Colloques Internationaux du CNRS.
- Pezard, M. 2005. Commission in Bushehr.(In Persian). Translated by Seyyed Zia Mosleh. Bushehr: Shorou Press.

- Piperno, M. 1983. Bead Making and Boring Techniques in 3rd Millennium B.C. Indo-Iran. In M. Tosi(ed.) Prehistoric Sistan 1: 319-25. Rome: ISMEO.
- Possehl, G.L. 2002a. Indus-Mesopotamian Trade: The Record in the Indus. *Iranica Antiqua* XXXVII: 325-342.
- Possehl, G.L. 2002b. The Indus Civilisation: A Contemporary Perspective. Oxford: Alta Mira Press.
- Possehl, G.L. 2002c Fifty Years if Harapan Archaeology: The Study of the Indus Civilisation Since Indian Independence. In S.Settar and R. Korisettar(eds.) Indian Archaeology in Retrospect II: Protohistory Archaeology of the Harappan Civilization: 1-46. Delhi: Indian Council of Historical Research.
- Pracchia, S. m. Tosi& M. Vidale . 1985. On the Type, Distribution and Extent of Craft Industries at Mohenjo-Daro. *South Asian Archaeology* 1: 207-48.
- Syke, sP. M. 1915. A Histoey of Persia 1. London: MacMillan.
- Tosi, M. 1974a. The Northeastern Frontier of the Ancient Near East Mesopotamia VIII-IX: 21-76..
- Tosi, M. 1974b. Some Data for the Study of Prehistoric Cultural Area on the Persian Gulf. *Proceeding of the Seminar for Arabian Studies* IV: 145-171.
- Tosi, M. 1974c. The Lapis Lazuli trade across the Iranian Plateau in the 3rd Millennium B.C. In G. Tucci (ed) *Gururajamanjarika*: 3-22. Napoli: Studi in onore di Giuseppe.
- Tosi, M. 1975. Notes on the Distribution and Exploitation of Natural Resources in Ancient Oman. *Journal of Oman Studies* 1: 187-206.
- Tosi, M. 1983. The Development of Urban Societies in Turan and the Mesopotamian Trade with the East: the Evidence from Shahr-i- Sokhta. In H. j. Nissen and j. Renger(eds.) *Mesopotamian and Seine Nachbarn* 1: 57-78. Berlin: Berliner Beitrage zum Vorderen Orient.
- Tosi, M. 1984. The Notion of Craft Specialization and its Representation in the Archaeological Record of Early States in the Turanian Basin In M. Spriggs (eds.) *Marxist Perspective in Archaeology*: 22-53. Cambridge: Cambridge University Press.
- Tosi, M & R. Wardak. 1972. The Fullol Hoard: A New Find from Bronze Age Afghanistan. *East and West* XXII: 9-17.

منابع توضیحات

- آزادی، احمد؛ قزلباش، ابراهیم؛ کوهی گیلوان، مجید(۱۳۹۷). «نویافته‌های منطقه‌ی منصور آباد بهبهان بر اساس بررسی‌های باستان‌شناسی». *مطالعات باستان‌شناسی پارسه*. شماره‌ی ۴، سال دوم، صص ۹۹-۱۲۰.
- ابراهیمی، قربانعلی(۱۳۸۵). «انشان / انزان: یک جستجوی تاریخی». *مجله مطالعات ایرانی*. دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۹، سال پنجم، صص ۲۰-۱.

بهمنش، احمد (۱۳۷۴). *تاریخ ملل قدیم آسیای غربی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
چایلد، گوردون (۱۳۵۷). *انسان خود را می‌سازد*. ترجمه احمد کریمی حکاک و محمد هل آتائی. تهران:
شرکت سهامی کتاب‌های جیبی .

حسین‌زاده شانه‌چی، حسن (۱۳۶۸). «بنادر ایرانی خلیج فارس در قرون میانی اسلام». *فصلنامه تاریخ اسلام*. شماره ۲۹، صص ۳۳-۶۵.

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۷ بهمن ۱۳۹۵. «کاووش و گمانه زنی برای تعیین عرصه و حریم تل سیاه فسا (تپه و کیل آباد)»

خبرگزاری فارس (افغانستان)، ۱۳۹۴/۸/۱۶ «تپه مندیگک قندهار با قدمتی ۳ هزار ساله»

خبرگزاری فارس، ۱۷ فروردین ۱۳۸۸ «آثار تاریخی بهبهان»

خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۶). *تاریخ جهان*. تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش.

درویشی، رضا (۱۳۹۶). *جغرافیای شهرستان دیلم*. تهران: انتشارات ماهواره.

رید، جولین (۱۳۹۲). *بین‌النهرین*. ترجمه آذر بصیر. تهران: انتشارات امیر کبیر.

سویشر، گلاریس (۱۳۸۳). *خاور نزدیک باستان*. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: انتشارات ققنوس.

سیدسجادی، سید منصور (۱۳۸۳). «آغاز شهرنشینی در نیمه شرقی فلات ایران». *نامه انسان‌شناسی*. شماره ششم، سال سوم، صص ۶۳-۹۶.

سیدسجادی، سید منصور (۱۳۹۷). *باستان‌شناسی شبه قاره هند*. تهران: انتشارات سمت.

----- (۱۳۹۰). *شهر سوخته*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

شیرازی، روح‌الله؛ دهمرده پهلوان، مهدی (۱۳۹۳). «روابط فرهنگی بلوچستان ایران و پاکستان در هزاره سوم پیش از میلاد بر اساس بررسی‌های جدید باستان‌شناسی در مکران». *فصلنامه مطالعات شبه قاره هند*، دانشگاه سیستان و بلوچستان. شماره ۲۰، سال ۶، صص ۴۳-۶۴.

قدیانی، عباس (۱۳۸۱). *فرهنگ جامع تاریخ ایران*. تهران: انتشارات آرون.

مالووان، م.ا.ل. (۱۳۷۲). *بین‌النهرین و ایران باستان*. ترجمه رضا مستوفی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گیرشمن، رومن. (۱۳۷۳). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: انتشارات معین.

مرادی، حسین؛ سرحدی دادیان، حسین؛ سلطانی، مجتبی (۱۳۹۴). «فراز و فرود دره بمپور در پیش از تاریخ بر اساس شواهد سفالی». *مفاخر میراث فرهنگی ایران*، شماره ۱ (جشن نامه دکتر صادق ملک شه‌میرزادی). به کوشش مرتضی حصاری. تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. صص ۱۰۵-۹۴.

مرتضوی، مهدی (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی جوامع شهرنشین جنوب شرق ایران و دره هند». *فصلنامه مطالعات شبه قاره هند*، دانشگاه سیستان و بلوچستان. شماره ۲، سال ۲، صص ۱۳۹-۱۱۱.

مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سیراف (۱۳۸۶). به اهتمام عبدالکریم مشایخی و غلامحسین نظامی. جلد دوم. بوشهر: انتشارات بوشهر.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸). «گوردون چایلد و باستان‌شناسی». *نشر دانش*. سال ۳، شماره ۵۶، صص ۴۲-

- محمدی سفیدخانی، رامین (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی فرمی و تکنیکی مصنوعات مرمری در محوطه‌های شاخص پیش از تاریخ (عصر مفرغ) جنوب شرق ایران». دو فصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی. شماره ۴، سال ۲، صص ۲۷-۴۸.
- ملک‌شهمیرزادی، صادق (۱۳۷۳). *مبانی باستان‌شناسی ایران، بین‌النهرین و مصر*. تهران: انتشارات مارلیک.
- منصوری، مجید؛ اسدی، احمد علی (۱۳۹۲). «بررسی و مطالعه محوطه‌های پیش از تاریخ شهرستان فسا». *مجله پیام باستان‌شناسی*. شماره ۲۰، سال ۱۰، صص ۱۶-۱.
- منصوری، مجید (۱۳۹۵). «بررسی باستان‌شناسی زیستگاه‌های باکون در شرق فارس، دشت فسا». *پژوهش‌های باستان‌شناسی*، دانشگاه بوعلی سینا همدان. شماره ۱، صص ۵۶-۳۹.
- مهرآفرین، رضا؛ علیزاده، فاطمه، شیرازی، روح‌الله (۱۳۹۱). «سفال مکران در دوره اشکانی و همگونی‌های آن با مناطق همجوار». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران (نامه باستان‌شناسی)*. شماره ۳، دوره ۲، صص ۲۴-۷.
- واندنبیگ، لوتی (۱۳۴۸). *باستان‌شناسی ایران باستان*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۴). *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*. تهران: انتشارات سمت.
- هاشمی زرج‌آباد، حسن؛ شیرازی، روح‌الله؛ فرزین، سامان؛ ظهوریان، مریم (۱۳۹۳). «نویافته‌های از تدفین‌های سنگی در مکران ایران (شهرستان‌های نیک شهر و چابهار)». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی*، دانشگاه بوعلی سینا همدان. شماره ۷، سال ۴، صص ۹۵-۱۱۲.
- یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۹۱). *تاریخ شهر لیان*. تهران: انتشارات صحیفه خرد.
- یوسف جمالی، محمد کریم؛ سلیمی، بتول (۱۳۸۶). «دارابگرد از گذشته تا پایان عصر ساسانیان». *فصلنامه علمی و پژوهشی تاریخ*، دانشگاه آزاد واحد محلات. شماره ۷، سال ۲، صص ۱۸۱-۱۵۱.

Research Article

Persian Gulf The main route of Maritime Trade between the Indus and Mesopotamia Civilizations in the third millennium BC¹

Mehdi Mortazavi², Translation and explanations: Haidari Amiri³

Date of received: 2021/03/30

Date of Accept: 2021/04/14

Abstract

Over the past few decades, clear perspectives have emerged on the relationship between Indian and Mesopotamian civilization. Archaeological research reveals a number of trade routes, including sea and land routes, that connected Indian civilization to the Mesopotamian region via Iran, particularly the Persian Gulf and southeastern Iran. Although overland routes were the most important communication network in the first half of the third millennium BC, it seems that in the second half of the third millennium BC, maritime trade routes replaced overland routes, linking Indian civilization with Persian Gulf communities. This article pursues two goals: First, it assesses the importance of the Persian Gulf as a major route for long-distance trade between East and West. Second: shows the possible function of Lian (Bushehr) as an intermediary port on the shores of the Persian Gulf.

Keywords: Persian Gulf; Maritime trade; Mesopotamia; Sindh Valley.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Mortazavi, Mehdi (2021). "Persian Gulf The main route of Maritime Trade between the Indus and Mesopotamia Civilizations in the third millennium BC". Translate by Haidari Amiri, *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 4, Num. 2, S.No. 14, pp. 15 - 36.

¹. This article is a translation of The Persian Gulf: The Main Maritime Trade Corridor between the Indus Valley and Mesopotamia during the Third Millennium BC presented at the International Congress of Siraf (November 25-24, 2005) "Siraf International" was published in 2007.

². Associate Professor, Department of Archeology, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran.

³. PhD in History of Iran, Lecturer at Farhangian University, Allameh Tabatabaei Campus, Bushehr, Iran.

Email: H.Amiri@cfu.ac.ir

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

Resources

- Biggs, H.E.j. 1970. Report on Mollusks Collected by Expedition to Bampur. In B.De Cardi(ed) Excavations at Bampur, a Third Millennium Settlement in Persian Baluchistan,1966. Anthropological Papers of the American Museum of Natural History. LI 3: 333-334.
- Burney, C. 1975. Tepe Yahya: Its Implications for Near Eastern Archaeology. *Antiquity* XLIX: 191-196.
- Chakrabarti, D. K. 1990. *The External Trade of the Indus Civilization*. Delhi: Munshiram Manoharlal.
- Childe, V.G. 1951. *Social Evolution*. London: Watts.
- Childe, V. G. 1954. *New Light on the Most Ancient East*. London.
- De Cardi, B. 1968. Excavation at Bampur, S.E.Iran; A Brief Report. *Iran* VI: 135-155.
- During Caspers, E. C. L. 1970. A Note on the carved Ston Vases and Incised Grayware. In B. De Cardi (ed) Excavations at Bampur. A third Millennium B. C Settlement in Persian Baluchistan, 1966. *Anthropological Papers of the American Museum of Natural History* 51(3): 319-332.
- During Caspers, E. C. L. 1971. New Archaeological Evidence for Maritime Trade in the Persian Gulf During the Late Protoliterate Period East and West 21: 21-44.
- During Caspers, E. C. L. 1972. Harappan Trade in the Arabian Gulf in the third Millennium BC. *Mesopotamia* VII: 167-191.
- During Caspers, E. C. L. 1994 Non-Indus Glyptics in a Harappan context. *Iranica Antiqua* XXIX: 83-106.
- Ericson, J. E & T. K. Earle. 1982. *Contexts for Prehistoric Exchange*. London: Academic Press.
- Jansen, M. 2002. Settlement Networks of the Indus Civilization. In S. Settar and R. Korisetar(eds.) *Indian Archaeology in Retrospect II: Protohistory of the Harappan Civilization*: 105-129. Delhi: Indian Council of Historical Research.
- Kohl, A Note on Chlorite Artefacts from Shahr-i-Sokhta. *East and West* 27(1-4): 111-127. 1977 P.L.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1971. The Proto Elamite Settlement Tepe Yahya. *Iran* LX: 87-96.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1972. Trade Mechanisms in Indus-Mesopotamian Interrelations. *Journal of the American Oriental soc.* 92(2): 222-229.
- Lamberg-Karlovsky, C.C. 1977. Foreign Relations in the Third Millennium at Tepe Yahya. In J. Deshayes(ed.) *Le Plateau Iranien el dAsie Centrale des Origines a la Conquete Islamique* 567: 33-43 Paris: Colloques Internationaux du CNRS.
- Pezard, M. 2005. *Commission in Bushehr.* (In Persian). Translated by Seyyed Zia Mosleh. Bushehr: Shorou Press.

- Piperno, M. 1983. Bead Making and Boring Techniques in 3rd Millennium B.C. Indo-Iran. In M. Tosi(ed.) Prehistoric Sistan 1: 319-25. Rome: ISMEO.
- Possehl, G.L. 2002a. Indus-Mesopotamian Trade: The Record in the Indus. *Iranica Antiqua* XXXVII: 325-342.
- Possehl, G.L. 2002b. *The Indus Civilization: A Contemporary Perspective*. Oxford: Alta Mira Press.
- Possehl, G.L. 2002c Fifty Years if Harapan Archaeology: The Study of the Indus Civilistion Since Indian Independence. In S.Settar and R. Korissettar(eds.)*Indian Archaeology in Retrospect II: Protohistory Archaeology of the Harappan Civilization: 1-46*. Delhi: Indian Council of Historical Research.
- Pracchia, S. m. Tosi& M. Vidale . 1985. On the Type, Distribution and Extent of Craft Industries at Mohenjo-Daro. *South Asian Archaeology 1: 207-48*.
- Syke, sP. M. 1915. *A Histoey of Persia 1*. London: MacMillan.
- Tosi, M & R. Wardak. 1972. The Fullol Hoard: A New Find from Bronze Age Afghanistan. *East and West* XXII: 9-17.
- Tosi, M. 1974a. The Northeastern Frontier of the Ancient Near East Mesopotamia VIII-IX: 21-76..
- Tosi, M. 1974b. Some Data for the Study of Prehistoric Cultural Area on the Persian Gulf. *Proceeding of the Seminar for Arabian Studies IV: 145-171*.
- Tosi, M. 1974c. The Lapis Lazuli trade across the Iranian Plateau in the 3rd Millennium B.C. In G. Tucci (ed) *Gururajamanjarika: 3-22*. Napoli: Studi in onore di Giuseppe.
- Tosi, M. 1975. Notes on the Distribution and Exploitation of Natural Resources in Ancient Oman. *Journal of Oman Studies 1: 187-206*.
- Tosi, M. 1983. The Development of Urban Societies in Turan and the Mesopotamian Trade with the East: the Evidence from Shahr-i- Sokhta. In H. j. Nissen and j. Renger(eds.) *Mesopotamian and Seine Nachbarn 1: 57-78*. Berlin: Berliner Beitrage zum Vorderen Orient.
- Tosi, M. 1984. The Notion of Craft Specialization and its Representation in the Archaeological Record of Early States in the Turanian Basin In M. Spriggs (eds.) *Marxist Perspective in Archaeology: 22-53*. Cambridge: Cambridge University Press.

Sources Description

- Azadi, Ahmad; Ghezelbash, Ibrahim; Koochi Gilwan, Majid. (1397). "New findings of Mansourabad region of Behbahan based on archaeological studies". *Archaeological studies of gamers*. No. 4, second year, pp. 120-99. (in Persian)
- Behmanesh, Ahmad. (1374). *History of the ancient nations of West Asia*. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
- Child, Gordon. (1357). *Man builds himself*. Translated by Ahmad Karimi Hakak and Mohammad Hal Atai. Tehran: Pocket Books Company.

- Darvish, Reza (1396). Geography of Deylam city. Tehran: Satellite Publications.
- Ebrahimi, Qurban Ali (1385). "Anshan / Anzan: A Historical Search". Journal of Iranian Studies. Shahid Bahonar Kerman University, No. 9, Fifth Year, pp. 20-1. (in Persian)
- Fars News Agency (Afghanistan), 8/16/2015 "Kandahar Mandigak Hill with a history of 3,000 years old"(in Persian)
- Fars News Agency, April 6, 2009 "Behbahan Historical Monuments"(in Persian)
- Girshman, Roman. (1373). Iran from the beginning to Islam. Translated by Mohammad Moin. Tehran: Moin Publications.
- Hashemi Zarjaabad, Hassan; Shirazi, Ruhollah; Farzin, Saman; Maryam, Zahoorian. (1393). "New finds from stone burials in Makran, Iran (Nikshahr and Chabahar cities)". Journal of Archaeological Research, Bu Ali Sina University, Hamadan. No. 7, Year 4, pp. 112-95. (in Persian)
- Hosseinzadeh Shanechi, Hassan. (1368). "Iranian ports of the Persian Gulf in the Middle Ages of Islam". Quarterly Journal of Islamic History. No. 29, pp. 65-33. (in Persian)
- Iranian Students News Agency (ISNA), February 28, 2017. "Exploration and speculation to determine the area and privacy of Tel Siah Fasa (Vakilabad hill)" (in Persian)
- Khairandish, Abdul Rasool (1386). World History. Tehran: Office of Planning and Textbook Compilation of the Ministry of Education. (in Persian)
- Majidzadeh, Yousef (1370). History and civilization of Ilam. Tehran: University Publishing Center. (in Persian)
- Majidzadeh, Yousef. (1368). "Gordon Child and Archeology". Knowledge publishing. Year 3, No. 56, pp. 42- 38. (in Persian)
- Malik Shahmirzadi, Sadegh. (1373). Archaeological foundations of Iran, Mesopotamia and Egypt. Tehran: Marlik Publications. (in Persian)
- Malwan, M.A.L. (1372). Mesopotamia and ancient Iran. Translated by Reza Mostofi. Tehran: University of Tehran Press.
- Mansoori, Majid. (2016). "Archaeological study of Bacon habitats in eastern Fars, Fasa plain". Archaeological Research, Bu Ali Sina University, Hamadan. No. 1, pp. 56-39. (in Persian)
- Mansoori, Majid; Asadi, Ahmad Ali (2013). "Study and study of prehistoric sites in Fasa city". Archaeological Message Magazine. No. 20, Year 10, pp. 16-1. (in Persian)
- Mehrfarin, Reza; Alizadeh, Fatemeh, Shirazi, Ruhollah. (2012). "Makran pottery in the Parthian period and its similarities with neighboring areas". Iranian Archaeological Research (Archaeological Letter). No. 3, Volume 2, pp. 24 - 7. (in Persian)
- Mohammadi Sefidkhani, Ramin (1393). "Formal and technical typology of marble artifacts in prehistoric sites (Bronze Age) in southeastern Iran." Two specialized quarterly journals of restoration knowledge and cultural heritage. No. 4, Year 2, pp. 48-27. (in Persian)

- Moradi, Hussein; Sarhadi Dadian, Hussein; Soltani, Mujtaba (1394). "The rise and fall of Bampur valley before history based on pottery evidence". Honors of Iranian Cultural Heritage, No. 1 (Celebration of Dr. Sadegh Malek Shahmirzadi). By the efforts of Morteza Hesari. Tehran: Research Institute of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism. Pp. 105-94. (in Persian)
- Mortazavi, Mahdi (1389). "A Comparative Study of Urban Communities in Southeastern Iran and the Indian Valley". Quarterly Journal of Indian Subcontinent Studies, Sistan and Baluchestan University. No. 2, Year 2, pp. 139-111. (in Persian)
- Proceedings of the International Congress of Siraf. (1386). By Abdul Karim Mashayekhi and Gholam Hossein Nezami. Volume II. Bushehr: Bushehr Publications. (in Persian)
- Qadiani, Abbas (1381). Comprehensive culture of Iranian history. Tehran: Arun Publications. (in Persian)
- Reed, Julien. (1392). Bain-al-nahrain. Translated by Azar Basir. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Shirazi, Ruhollah; Mahdi, Delmordeh Pahlavan. (1393). "Cultural relations between Baluchistan, Iran and Pakistan in the third millennium BC based on new archaeological studies in Makran." Quarterly Journal of Indian Subcontinent Studies, Sistan and Baluchestan University. No. 20, Year 6, pp. 64-43. (in Persian)
- Sweiser, Glaris. (1383). Ancient Near East. Translated by Askar Bahrami. Tehran: Phoenix Publications.
- Syed Sajadi, Syed Mansour. (1390). burnt City. Tehran: Cultural Research Office. (in Persian)
- Syed Sajadi, Syed Mansour. (1397). Archeology of the Indian subcontinent. Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Syed Sajadi, Syed Mansour. (2004). "The beginning of urbanization in the eastern half of the Iranian plateau." Anthropological Letter. No. 6, Year 3, pp. 96-63. (in Persian)
- Vandenberg, Louis. (1348). Archeology of Ancient Iran. Translated by Isa Behnam. Tehran: University of Tehran Press.
- Vosoughi, Mohammad Baqir (1384). History of the Persian Gulf and neighboring countries. Tehran: Samat Publications. (in Persian)
- Yahsini, Sayed Qasim (1391). History of Lian city. Tehran: Sahifa Kherad Publications. (in Persian)
- Yousef Jamali, Mohammad Karim; Salimi, Batool. (1386). "Darabgard from the past to the end of the Sassanid era". Scientific and Research Quarterly of History, Mahallat Branch, Azad University. No. 7, Year 2, pp. 181 - 151.(inPersian)

پیشہ ورانہ کالج علوم اسلامیہ و مطالعات قرآنی

بیت مالہ جامعہ علوم اسلامیہ